

مقاله پژوهشی

آسیب‌شناسی فضای کسب و کار و اشتغال در ایران با تمرکز بر شناسایی علل شکل‌گیری اشتغال غیررسمی با رویکرد شبکه مضامین

پذیرش: ۱۴۰۰/۹/۱۰

دریافت: ۱۴۰۰/۵/۱۶

مجید محمدشفیعی^۱، نویسنده مسئول
مریم زمانی^۲

چکیده

رفع موانع و تقویت پیش‌ران‌ها برداشته شود. لذا تمرکز این پژوهش بر شناسایی علل شکل‌گیری اشتغال غیررسمی در ایران است. این پژوهش به روش کیفی انجام شده است. جمع‌آوری داده‌ها به صورت مصاحبه با خبرگان انجام شد. سپس داده‌ها با روش‌های مختلف از جمله تحلیل تم و دلفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در طی سه دور دلفی، داده‌ها اعتبارسنجی گردید و چارچوب نهایی پژوهش به صورت شبکه مضامین طراحی شد. بر اساس یافته‌های پژوهش بیش از هشتاد عامل در شکل‌گیری اشتغال غیررسمی شناسایی و سپس در دسته‌های عوامل کلان، قانونی و فردی طبقه‌بندی شد.

محیط کسب و کار در دهه‌های اخیر به عنوان یکی از کلید واژه‌های مهم در کسب و کار، بازرگانی و اقتصاد مطرح است. تلاش در جهت ارتقای شاخص‌های بهبود فضای کسب و کار، نقش چشمگیری در رشد و توسعه اشتغال، به خصوص در بخش خصوصی دارد. آسیب‌شناسی متغیرهای درگیر در این زمینه می‌تواند در ایجاد فضای مناسب برای کسب و کارها مؤثر باشد. از متغیرهای مهم در این زمینه، اشتغال غیررسمی و تبعات مهمی است که برای فضای کسب و کار دارد. اگر قرار است موانع تولید برطرف شود، ابتدا لازم است تا عوامل پیش‌ران و موانع شناسایی شود، تا گام‌های مثبت در جهت

طبقه‌بندی JEL: E2، E26، F66، J15، J46، K31

فضای کسب و کار / اشتغال غیررسمی / تحلیل تم / روش دلفی / شبکه مضامین

۱. مقدمه: طرح مسأله

ناتوانی بخش رسمی در ایجاد اشتغال و یا برخی از شرایط نامطلوب آن برای کارگر و کارفرما، منجر به ایجاد بخش غیررسمی اقتصاد و اشتغال غیررسمی شده است. بخش‌های بزرگ غیررسمی به‌طور فزاینده‌ای، نقش مهمی را در بسیاری از اقتصادهای در حال توسعه بازی می‌کند (کارنیرو و هنلی، ۲۰۰۱). البته یکی از مواردی که تعیین دقیق آن دشوار است، برآوردهای کشورهای در حال توسعه است که نشان می‌دهد بخش غیررسمی بیش از ۵۰ درصد از جمعیت فعال اقتصادی را در خود جای می‌دهد. باتوجه به گسترش اشتغال غیررسمی و ایجاد چالش‌های جدی از نظر سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، موضوعات مربوط به این حوزه به‌طور کامل بررسی نشده و در مورد عوامل تعیین‌کننده اشتغال غیررسمی اتفاق نظری وجود ندارد (الگین و ارتورک، ۲۰۱۹).

هرچند اقتصاد غیررسمی (شامل بخش غیررسمی و اشتغال غیررسمی) از مدت‌ها قبل وجود داشته است. با این حال، این بخش در بسیاری از کشورها به‌خصوص ایران، مورد توجه کافی قرار نگرفته است. باتوجه به این دوره که دوره سرعت بخشیدن به صنعتی شدن و نوسازی در کشور است، توسعه سریع صنایع و خدمات در اقتصاد ملی منجر به افزایش تعداد کارگران شاغل در این زمینه شده است. روند شهرنشینی باعث شده تا تعداد زیادی از کشاورزان در مناطق روستایی به سمت اشتغال در بخش غیررسمی اقتصاد سوق داده شود. بدیهی است که آن‌ها دارای مهارت فنی ناکافی، شغل ناپایدار، فاقد قرارداد کار یا کار در قراردادهای شفاهی و درآمد کم هستند. درآمد بسیاری از کارگران اقتصاد غیررسمی برای تأمین خواسته‌های اساسی خانواده کافی نیست. علاوه بر دستمزد کم و شرایط نامساعد کار، عدم حمایت قانونی نیز وجود دارد. این امر مستلزم آن است که دولت سیاست‌های اجتماعی مناسبی برای کارگران غیررسمی اقتصاد داشته باشد (وان تنگ، ۲۰۲۰).

اصلاح قوانین، مقررات و استانداردهای صحیح علمی در این زمینه و همچنین ایجاد ضمانت اجرایی قوانین به بهبود فضای کسب و کار به‌خصوص در بخش غیررسمی کمک میکند (عاقله و حمیدی، ۱۳۹۵).

اهمیت این مسأله با بررسی آمار تعداد شاغلین غیررسمی، بیش از پیش مشخص می‌شود. اگرچه آمارهای دقیقی از تعداد شاغلین این بخش در ایران وجود ندارد، اما برخی از پژوهش‌های انجام‌شده در مورد این موضوع تلاش کردند تا به گمانه‌زنی در این باره دست زنند. در یکی از این پژوهش‌ها، رنالی (۱۳۸۰) سهم اشتغال بخش غیررسمی را در اشتغال شهری کل کشور، ۳۳/۵ درصد برآورد می‌کند (رنالی، ۱۳۸۰). رنالی (۱۳۸۴) در پژوهشی دیگر از سهم ۲۸ درصدی اشتغال غیررسمی در اشتغال کل کشور سخن می‌گوید. در بررسی دیگری که توسط بختیاری و خوب‌خواهی (۱۳۹۰) صورت گرفته است، سهم اشتغال غیررسمی در اشتغال کل کشور، در بازه زمانی ۱۳۶۹-۱۳۸۵، ۲۱ درصد برآورد شده است. این در حالی است که طبق گزارش اخیر مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۹)، ۶۰ درصد اشتغال کشور را مشاغل غیررسمی تشکیل می‌دهند (سایت تحلیل خبری عصر ایران، ۲۵ خرداد ۱۳۹۹).

اشتغال غیررسمی منجر به عدم حمایت از نیروی کار غیررسمی گردیده است. با وجود افزایش اشتغال غیررسمی و ایجاد چالش‌های جدی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آن، بسیاری از موضوعات مربوط به ماهیت، علل و پیامدهای آن تا حد زیادی حل نشده باقی مانده است. متأسفانه، شواهد ارائه شده در ادبیات موجود، نتوانسته است در مورد اقدامات، عوامل تعیین‌کننده و همچنین تأثیرات آن اتفاق نظر ایجاد کند (الگین و ارتورک، ۲۰۱۹). بررسی مطالعات گذشته نشان می‌دهد که علی‌رغم گسترش و اهمیت این موضوع، در کمتر پژوهشی به‌طور همه‌جانبه به این موضوع پرداخته شده است. بنابراین در پژوهش حاضر با هدف پوشش این خلأ تلاش شد تا علل شکل‌گیری اشتغال

غیررسمی شناسایی و تحلیل شود.

منجر به بهبود و یا رکود ساختار اقتصادی می‌گردد، بنابراین آسیب‌شناسی فضای کسب و کار از جنبه‌های مختلف، از اهمیت به‌سزایی برخوردار است (اشرفی و فهیمی‌فر، ۱۳۹۰). اهمیت توجه به فضای کسب و کار به قدری است که در برنامه‌های چهارم، پنجم و ششم توسعه کشور نیز به آن پرداخته شده است. مروری بر قوانین برنامه توسعه کشور به شکل‌های مختلف بر این مسأله تأکید می‌کند. برای مثال می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد.

- وظیفه دولت در جهت کنترل نوسانات ارز، حفظ توان رقابت بنگاه‌ها، برنامه‌ریزی، اجرای توسعه زیربناها، بازنگری قانون و مقررات در جهت بهبود فضای کسب و کار (مجموعه قانون برنامه پنج ساله چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۴-۱۳۸۸)

- سیاست‌های تشویقی، تسهیلات و کمک‌های مالی
- حمایت مالی به منظور توسعه و گسترش آموزش‌های کسب و کار، کارآفرینی و علمی-کاربردی (مجموعه قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰-۱۳۹۴)

- وظیفه دولت در راستای اصلاح قوانین، مقررات و رویه‌ها در محیط کسب و کار به‌گونه‌ای امن، سالم و شفاف

- تضمین امنیت سرمایه‌گذاری و کارآفرینی در کشور، جذب متخصصان و کاهش ریسک در محیط کسب و کار (مجموعه قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۶-۱۴۰۰).

اشتغال غیررسمی

یکی از مهم‌ترین مسائل مربوط به فضای کسب و کار، بحث اشتغال و به‌خصوص پدیده اشتغال غیررسمی است. کیت هارت که یک مردم‌شناس اجتماعی است، اولین پژوهشگری بود که بخش غیررسمی را وارد ادبیات علمی کرد. وی بخش غیررسمی را قسمتی از نیروی کار

برای دست یافتن به این هدف، چارچوب این مقاله به این شرح است که ابتدا تاریخچه و ادبیات پژوهشی اشتغال غیررسمی بیان می‌شود. پس از مرور پیشینه مطالعات مرتبط با موضوع مقاله و مشخص شدن شکاف تحقیقاتی، در بخش بعدی مقاله به تشریح روش‌های مورد استفاده در پژوهش پرداخته می‌شود. سپس داده‌های حاصل از مصاحبه مورد تحلیل قرار می‌گیرد و برای درک بهتر به صورت شبکه مضامین ارائه می‌شود. در پایان، باتوجه به عوامل شناسایی شده و نتایج حصول یافته، توصیه‌های سیاستی ارائه می‌شود.

۲. مبانی نظری پژوهش

فضای کسب و کار

فضای کسب و کار در دهه‌های اخیر به‌طور گسترده مورد توجه قرار گرفته است (شفیعی، ۲۰۲۱)، تا حدی که به عنوان یکی از کلیدواژه‌های مهم در حوزه بازرگانی و اقتصاد مطرح شده است و صاحب‌نظران در تلاشند تا با حساسیت بیشتری این فضا را مورد بررسی و تحلیل قرار دهند. یکی از عوامل مهم در ایجاد اشتغال، رشد و رونق اقتصادی، افزایش سرمایه‌گذاری‌ها و همچنین افزایش رفاه، بسترسازی برای بهبود فضای مناسب کسب و کار است. بدیهی است که کارآفرینان و سرمایه‌گذاران تمایل به محیطی برای فعالیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری دارند که از نظر ثبات و امنیت، تأمین شده باشد (فلاح‌حقیقی، ارمغان و بیژنی، ۱۳۹۶).

محیط کسب و کار مجموعه‌ای از سیاست‌ها، شرایط حقوقی نهادی و مقرراتی است که بر فعالیت‌های کسب و کار حاکم است. با توجه به اینکه وضعیت محیط کسب و کار به بهبود و یا رکود ساختار اقتصادی کشور می‌انجامد، بهبود محیط کسب و کار و به‌طور کمی بهبود شاخص‌های محیط کسب و کار از جایگاه به‌سزایی برخوردار است (سیف، ۱۳۸۹). از آنجایی که بهبود فضای کسب و کار

شهری می‌دانست که در خارج از بازار کار رسمی فعالیت می‌کند. هارت (۱۹۷۳) همچنین بخش غیررسمی را شامل گروه‌های کوچک و افراد خوداشتغال می‌دانست (جعفری و محمدزاده، ۱۳۹۴).

اقتصاد غیررسمی (شامل بخش غیررسمی و اشتغال غیررسمی) از مدت‌ها قبل وجود داشته است (وان تنگ، ۲۰۲۰). هرچند به شکل جدی، پس از جنگ جهانی دوم، و همه‌گیر شدن پدیده‌ای جهانی به نام شهرنشینی بیشتر مطرح شد. فرایندی اجتناب‌ناپذیر و شتابزده که با پایان قرن بیستم بیش از پیش گسترش یافت (فکوهی، ۱۳۸۳)، به طوری که ماهیت کیفی آن در کشورهای مختلف، متنوع است. در برخی کشورها شهرنشینی همراه با مهارت، ارتقا، صنعتی شدن و گسترش بخش رسمی و در برخی دیگر از کشورها، شهرنشینی با گسترش بخش غیررسمی و سنتی همراه شد (یوکی، ۲۰۰۷).

در مجموع، اقتصاد غیررسمی را می‌توان نمادی از تحولات جهان سرمایه‌داری دانست که بخش مهمی از اقتصاد بسیاری از کشورها، به خصوص کشورهای درحال توسعه را تشکیل می‌دهد و نقش عمده‌ای در ایجاد اشتغال، تولید و ایجاد درآمد ایفا می‌کند (ویسیان و همکاران، ۱۳۹۴). با توجه به وان‌تنگ (۲۰۲۰) اشتغال غیررسمی به معنای کلیه فعالیت‌های اقتصادی است که خارج از چارچوب قوانین، مقررات، نظارت دولت و بدون پرداخت مالیات کار می‌کند؛ کاری که بدون قوانین رسمی کار و دستمزد انجام می‌شود و درآمدزایی می‌کند. به بیان بهتر اشتغال بدون قرارداد کتبی بین کارگر و کارفرما، با دستمزد پایین‌تر از مصوب اداره کار، بدون بیمه و بازنشستگی اشتغال غیررسمی نام دارد (محمدشفیعی، ۱۳۹۸). با این حال، این بخش در بسیاری از کشورها، از جمله ایران، مورد توجه کافی قرار نگرفته و علل و ابعاد آن شناسایی نشده است.

در دوره سرعت بخشیدن به صنعتی‌سازی و نوسازی در کشور ما، توسعه سریع صنایع و خدمات در اقتصاد ملی

منجر به افزایش تعداد کارگران شاغل در این زمینه شده است. روند شهرنشینی همچنین تعداد زیادی از کشاورزان در مناطق روستایی را به سمت کار کردن در اقتصاد غیررسمی سوق داده است (وان تنگ، ۲۰۲۰). مهم‌ترین ویژگی‌های اقتصاد رسمی عبارتند از (دانیلز، ۲۰۰۴؛ ویسیان و همکاران، ۱۳۹۴):

۱. کار مبتنی بر دستمزد مشخص

۲. داشتن حداقل دستمزد

۳. ساعات کار مشخص

۴. محیط کار امن و سالم

۵. داشتن بیمه تأمین اجتماعی کارکنان

در مقابل، اقتصاد غیررسمی به مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و مبادلات اقتصادی گفته می‌شود که ممکن است قانونی یا غیرقانونی باشند؛ اما به دلیل آن که گزارش نمی‌شوند، اندازه‌گیری نیز نمی‌شوند. عدم ارائه گزارش می‌تواند برای فرار از مالیات یا مقررات بیش از حد (درجه تنظیم‌کنندگی بالای دولت) و یا حتی نبود شبکه گزارش‌گیری به دلایل مختلف باشد (احمدی شادمهری، ۱۳۸۶). اندازه و مقیاس اقتصاد غیررسمی در مراحل مختلف توسعه، متفاوت است. در واقع مشاهده، تعریف، اندازه‌گیری و محاسبه این بخش از اقتصاد بسیار دشوار است (الگین و اوپوت، ۲۰۱۳).

بخش غیررسمی، بخش مهمی از اقتصاد و بازار نیروی کار را در کشورهای درحال توسعه تشکیل می‌دهد (ویسیان و همکاران، ۱۳۹۴). سازمان بین‌المللی کار (۲۰۰۲)، اشتغال غیررسمی را شامل کلیه افرادی می‌داند که در مشاغل غیررسمی به کار مشغولند، صرف نظر از اینکه شغل اصلی یا ثانوی آن‌ها باشد. اشتغال در خانه (مانند فعالیت زنان خانه‌دار) و اشتغال در تولید کالاهایی که برای استفاده نهایی خانوارها تهیه می‌شود (مانند کشاورزان سنتی)، نمونه‌هایی از اشتغال غیررسمی هستند. اشتغال غیررسمی می‌تواند در بخش رسمی، بخش غیررسمی یا خانگی باشد و شامل موارد ذیل است (بختیاری و خوب‌خواهی، ۱۳۹۰):

- برای خود اشتغالان در صورتی که فعالیت در بخش غیررسمی باشد.
- کارکنان فامیلی بدون مزد، صرف نظر از بخشی که در آن کار می‌کنند.
- مزدبگیران و حقوق بگیران در صورت داشتن اشتغال غیررسمی در بخش رسمی، یا بخش غیررسمی.
- اشتغال در خانه، ضوابط متعارف برای اطلاق عنوان غیررسمی به اشتغال عبارتند از:

۱. نداشتن قرارداد
 ۲. نداشتن مرخصی سالانه با حقوق
 ۳. نداشتن مرخصی استعلاجی با حقوق
 ۴. پرداخت نشدن حق بیمه از طرف کارفرما
- آنچه که مشخص است، کارگران بخش غیررسمی در هر اقتصادی وجود دارند، اما مهم به حداقل رساندن تعداد کارگران غیررسمی برای حمایت از حقوق کارگران و ارتقاء توسعه کشور است. یکی از ضروریات برای انجام این کار، ارتقا ظرفیت‌ها و مهارت‌های کارگران است. همچنین، کارگران باید بتوانند خود را با تغییرات سریع در بسیاری از مشاغل سازگار کنند تا به تدریج کار غیررسمی را به یک کار رسمی تبدیل کنند. اجرای شدید و همزمان راه‌حل‌های گفته شده در بالا نه تنها شرط توسعه پایدار اقتصادی کشور است، بلکه مقدمه‌ای برای اجرای امنیت اجتماعی برای انواع اشتغال در اقتصاد است (وان تنگ، ۲۰۲۰). اینکه چه عواملی دیگری باید در دستور کار سیاست‌گذاران قرار گیرد هنوز به طور کامل مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است.
- شناخت ویژگی‌های اشتغال غیررسمی، علل و همچنین عواقب آن برای اعمال سیاست‌های مؤثر در رسیدگی به موضوع از اهمیت اساسی در بهبود فضای کسب و کار برخوردار است. علاوه بر این، درک انگیزه‌های افراد در اشتغال غیررسمی و عواملی که آن‌ها را به سمت کار خارج از ساختارهای رسمی اقتصاد سوق می‌دهد، مهم است.

هرچند مشاغل غیررسمی برای بسیاری از خانوارهای فقیر که هیچ فرصت درآمدزایی دیگری ندارند، یک استراتژی مهم تأمین معیشت است، اما نباید از فرصتی که می‌توان در تبدیل این مشاغل به مشاغل رسمی داشت و منافی که برای کارگران از یک سو و اقتصاد از سوی دیگر دارد، غفلت ورزید. بنابراین سیاست‌های اجتماعی باید آن بخش از بخش غیررسمی را هدف قرار دهد که سیاست‌های مالی، کارگری و سایر مشوق‌ها انگیزه مناسبی را برای پیوستن افراد به شغل رسمی فراهم کند (پارلیلیت و ژنوجیانی، ۲۰۰۸).

در حال حاضر نیروی کار فراوانی در کشور وجود دارد که استفاده مناسب از آن‌ها می‌تواند باعث بهبود فضای کسب و کار شده و کشور را به سمت توسعه و شکوفایی رهنمون سازد (شاکری و حاجی حسینی، ۱۳۹۹). از طرف دیگر، بر اساس آمار رسمی در سال گذشته ۴۶۴ هزار فرصت شغلی در کشور ایجاد شد، اما بخشی از این فرصت‌های شغلی، اشتغال کم کیفیت و غیررسمی هستند. هرچند آمار یکسانی از میزان اشتغال غیررسمی کشور وجود ندارد، برخی برآوردها از فعالیت حدود ۳.۵ میلیون نیروی کار به صورت غیررسمی حکایت دارند. در این شرایط، تحمیل شوک پیش‌بینی نشده بیماری کرونا بر بازار کار کشور، شرایط را بسیار بغرنج‌تر کرده است. ساختار بازار کار کشور باعث شده تا اثر شیوع این بیماری بر بازار کار تشدید شود. نتایج مطالعات نشان می‌دهد بنگاه‌های کوچک با توجه به وابستگی بیشتر به منابع داخلی برای تأمین سرمایه در گردش و همچنین لزوم پرداخت هزینه‌های جاری با تواتر کوتاه‌مدت، در معرض آسیب‌های شدیدتر ناشی از شوک کرونا در کوتاه‌مدت هستند و در معرض خطر بیشتری قرار دارند. از مجموع ۲۳/۸ میلیون نفر افراد شاغل کل کشور در سال ۱۳۹۷، ۱۵/۴ میلیون نفر در بنگاه‌های کوچک (۱ تا ۴ نفر) شاغل بودند و در مجموع حدود ۶۵ درصد اشتغال کشور را همین بنگاه‌های کوچک تشکیل می‌دادند. همچنین مشاغل غیررسمی بیش از مشاغل رسمی در معرض آسیب

ناشی از شوک کرونا هستند. این در حالی است که ۶۰ درصد اشتغال کشور را مشاغل غیررسمی تشکیل می‌دهند و حتی سهم اشتغال غیررسمی در بسیاری از استان‌های کشور بالای ۷۰ درصد است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۹).

۳. پیشینه تجربی پژوهش

هرچند پژوهش‌های داخلی در زمینه اشتغال غیررسمی و ابعاد و علل آن انگشت شمار است، در ادامه به مرتبط‌ترین پژوهش‌های پیشین که به بررسی این مسأله پرداخته‌اند، اشاره می‌شود. از میان این پژوهش‌ها می‌توان به مطالعه زروکی، یدالهی اطاقسرا و یوسفی بارفروشی (۱۳۹۹) پژوهشی با عنوان "اشتغال غیررسمی و فقر خانوارهای شهری و روستایی در ایران" انجام دادند. در این پژوهش نشان دادند که بیشترین میزان فقر مربوط به خانوارهای با سرپرست شاغل در مشاغل غیررسمی است. به بیان بهتر، اشتغال غیررسمی سرپرست خانوار اثر مستقیم بر احتمال فقر خانوار دارد و میزان تأثیرگذاری آن در مناطق شهری بیش از مناطق روستایی است. همچنین متغیرهای تحصیلات، سن و جنسیت سرپرست خانوار تأثیر معکوس و متغیرهای مجذور سن و بُعد خانوار با اثری مستقیم بر احتمال فقر خانوار همراه است.

جعفری، ذکایی، زاهدی اصل و مؤمنی (۱۳۹۸) پژوهشی با عنوان «تجربه زیسته کارگران زن در بخش غیررسمی اقتصاد ایران (مطالعه موردی کارگران غیررسمی زن استان تهران)» انجام دادند. در این پژوهش کارگران غیررسمی زن در استان تهران مورد بررسی قرار گرفتند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که اشتغال غیررسمی به‌عنوان سازوکاری برای بقا به شمار می‌رود. کارگران غیررسمی زن بدون سرمایه و تجربه وارد این نوع از اشتغال می‌گردند. این کارگران با توجه به شرایطشان در این نوع اشتغال می‌مانند یا خارج می‌شوند. باتوجه به نتایج این پژوهش مدل قدرت بخشی رسمی‌سازی از جمله سازوکارهای کمک‌کننده به

کارگران در فرایند رسمی‌سازی و دسترسی بیش‌تر به حداقل حمایت اجتماعی است.

شوهانی و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهشی با عنوان «تحلیل نقش مهاجرت (روستا-شهر) در شکل‌گیری و گسترش مشاغل غیررسمی در شهر ایلام» به بررسی نقش مهاجرت از روستا به شهر در شکل‌گیری و گسترش مشاغل غیررسمی در شهر ایلام پرداختند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که فقدان اشتغال رسمی و عدم سرمایه کافی و تحصیلات مناسب، سبب افزایش شاغلان بخش اقتصاد غیررسمی در شهر ایلام شده است. همچنین در این پژوهش نشان داده شد که مهاجرت‌های روستا-شهری نقش به‌سزایی در گسترش و ایجاد این بخش از اقتصاد دارد. به‌علاوه، محل سکونت اکثر شاغلان در بخش غیررسمی شهر ایلام هم مناطق حاشیه‌نشین و فقیرنشین است.

محمدشفیعی (۱۳۹۸)، در پژوهشی با عنوان «بررسی و تحلیل کسب و کار، اشتغال و شاخص‌های مرتبط با آن (محیط داخل شهر و روستا با محوریت آمار اشتغال رسمی و غیررسمی) در راستای اشتغال‌زایی در مناطق محروم» با بررسی اشتغال و شاخص‌های مرتبط (میانگین دستمزد و...) در مناطق محروم (شهری و روستایی) در شهرهای منتخب از جمله اصفهان، خراسان جنوبی، سیستان و بلوچستان، کرمان، و کرمانشاه، به استخراج راه‌حلهایی برای بهبود و افزایش بسترسازی برای اشتغال مناطق محروم و افزایش درصد اشتغال در کشور (شهر و روستا) اقدام نمودند. نسترن، ربیعی و عبدخدا (۱۳۹۷)، پژوهشی با عنوان «بررسی اثرات اشتغال غیررسمی بر پایداری اجتماعی نمونه موردی شهر بانه» انجام دادند. نتایج این مقاله نشان می‌دهد که به دلیل تمرکز اشتغال غیررسمی، در محدوده مرکزی به نسبت محدوده پیرامونی ناپایداری اجتماعی شدیدتر می‌باشد. با توجه به نتایج تحقیق راه‌کارهایی جهت کاهش اثرات منفی تجارت غیررسمی بر شهر بانه و محدوده مرکز فعالیت‌ها ارائه شد که از مهم‌ترین آن می‌توان به جلوگیری

از قاچاق کالا، سرمایه‌گذاری در سایر پتانسیل‌های شهر، ایجاد اشتغال و تدوین قوانین جهت جلوگیری از ساخت مجتمع‌های تجاری و تمرکز فعالیت‌ها در مرکز شهر بانه اشاره کرد.

کریمی موعاری، زروکی و احمدی (۱۳۹۷)، پژوهشی با عنوان «محاسبه و تحلیل ساختار اشتغال غیررسمی در مناطق شهری استان کردستان» انجام دادند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که متغیرهای سن، وضعیت تأهل، میزان تحصیلات و نوع فعالیت تأثیر معناداری بر اشتغال غیررسمی دارند. افزایش سن، افزایش تحصیلات و متأهل بودن احتمال اشتغال غیررسمی را کاهش می‌دهند. در مناطق شهری استان کردستان بخش صنعت و پس از آن بخش خدمات بیشترین سهم از شاغلان غیررسمی را در خود جای داده است.

ظفری، صدرموسوی و پورمحمدی (۱۳۹۷)، در پژوهشی با عنوان «بررسی جایگاه شاغلان بخش غیررسمی در پایداری اقتصاد شهری» به تحلیل بخش غیررسمی در کلان شهر تبریز پرداختند. بر اساس یافته‌های پژوهش، فعالیت‌ها در بخش غیررسمی، تنوع زیادی دارند. همچنین مهم‌ترین دلیل ورود افراد به این بخش، نداشتن اشتغال در بخش رسمی اقتصاد، نبود سرمایه کافی، تخصص و سواد است. مهم‌ترین مشکلات شغلی این گروه، کمبود سرمایه و نداشتن مکان ثابت و مناسب است. بیشتر شاغلان این بخش، مالیات پرداخت نمی‌کنند. همچنین میزان اشتغال در بخش غیررسمی در بین جمعیت مهاجر بیشتر است.

رنانی، رضوانی، حیدری و میرزایی (۱۳۹۶)، پژوهشی با عنوان «بررسی اندازه و ساختار اشتغال غیررسمی شهری در استان قم» انجام دادند. نتایج بدست آمده در این پژوهش نشان می‌دهد که سهم اشتغال بخش غیررسمی از کل اشتغال در استان قم ۲۳-۳۶ درصد می‌باشد؛ برخی از شاغلین در بنگاه‌های بخش رسمی فعالیت دارند ولی از حمایت‌های شغلی برخوردار نمی‌باشند؛ زنان در مقایسه با مردان، افراد زیر

۱۵ سال و بالای ۶۵ سال در مقایسه با شاغلین ۶۵-۱۵ ساله و شاغلینی که سرپرست خانوار نیستند در مقایسه با افراد سرپرست خانوار، افراد مجرد در مقایسه با افراد متأهل، افراد با تحصیلات زیر دیپلم در مقایسه با شاغلین با مدرک تحصیلی دیپلم و بالاتر، روستاییان در مقایسه با شهری‌ها، با احتمال بیشتری به سوی «اشتغال غیررسمی» سوق داده می‌شوند.

به علاوه، از میان پژوهش‌های اخیر در خارج از کشور که به نوعی پدیده اشتغال غیررسمی را مورد بررسی قرار داده‌اند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

برسویکز و نیکولین (۲۰۲۱)، پژوهشی با عنوان «برآورد حجم اشتغال غیررسمی بر اساس سوابق اداری با مکانیزم انتخاب غیرقابل چشم‌پوشی» انجام دادند. در این پژوهش بر اساس داده‌های اداری در سطح شرکت از بازرسی ملی کار و مؤسسه بیمه اجتماعی لهستان برای تخمین شیوع اشتغال غیررسمی در لهستان در سال ۲۰۱۶ استفاده شد و این‌گونه اندازه‌گیری را برای کشورهای دیگر پیشنهاد دادند.

زروکی و یدالهی اطاقسرا (۲۰۲۱)، پژوهشی با عنوان «حداقل دستمزد واقعی و اشتغال غیررسمی در ایران» انجام دادند. این پژوهش به بررسی تأثیر حداقل دستمزد واقعی بر اشتغال غیررسمی در مناطق روستایی و شهری استان‌های ایران طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۷ می‌پردازد. برای این منظور، با استفاده از داده‌های خرد بر روی طرح درآمد و هزینه خانوارهای شهری و روستایی و با کمک شاخص حداقل دستمزد، نسبت اشتغال غیررسمی به کل اشتغال محاسبه شد. تجزیه و تحلیل داده‌های اولیه نشان می‌دهد که یک سوم کارکنان شهری و بیش از نیمی از کارکنان روستایی در این دوره به مشاغل غیررسمی اشتغال دارند. برآورد مدل اثرات تصادفی در این پژوهش نشان می‌دهد که حداقل دستمزد واقعی و بار مالیاتی بر اشتغال غیررسمی در مناطق شهری تأثیر مثبت دارد. در مناطق روستایی، برآورد با استفاده از روش اثرات ثابت (و برآوردگر FGLS) نشان می‌دهد که حداقل دستمزد واقعی، بار مالیاتی و ضریب

جینی بر اشتغال غیررسمی تأثیر مثبت دارند. همچنین ضریب اثر تعاملی حداقل دستمزد واقعی با در نظر گرفتن نرخ بیکاری نشان می‌دهد که در مناطق شهری افزایش نرخ بیکاری اثر مثبت حداقل دستمزد واقعی را افزایش می‌دهد. در مناطق روستایی، افزایش نرخ بیکاری تأثیر مثبت حداقل دستمزد واقعی را کاهش می‌دهد.

وان‌تنگ (۲۰۲۰)، در پژوهشی با عنوان «اشتغال غیررسمی و زندگی کارگران در اقتصاد غیررسمی ویتنام» به تجزیه و تحلیل مفاهیم اقتصاد غیررسمی، اشتغال غیررسمی و کارگران اقتصاد غیررسمی در ویتنام پرداخت. در این پژوهش ویژگی‌های کارگران غیررسمی اقتصاد ویتنام در مورد سطح تحصیلات و درآمد، زندگی مادی و معنوی، سیاست‌های اجتماعی مانند بیمه‌های اجتماعی، بیمه درمانی یا سایر امور اجتماعی بررسی شده است. نتایج این پژوهش نشان داد که کارگران اقتصاد غیررسمی افرادی هستند که دارای مهارت فنی بد، شغل ناپایدار، فاقد قرارداد کار یا قرارداد کلامی هستند تا درآمد کمی کسب کنند. به علاوه در این پژوهش توصیه‌هایی در مورد بهبود زندگی کارگران غیررسمی اقتصاد ارائه شده است.

ویلیامز و هوردونیک (۲۰۱۹)، در پژوهشی با عنوان «چرا اشتغال غیررسمی در برخی کشورها بیشتر دیده می‌شود؟» به بررسی و تحلیل ۱۱۲ کشور پرداخت. در این پژوهش با بررسی ۱۱۲ کشور به تحلیل چند نظریه پرداخته شد. نظریه‌های مورد بررسی، اشتغال غیررسمی را ناشی از عدم توسعه اقتصادی و عدم مدرنیزاسیون حاکمیت (نظریه مدرنیزاسیون)، مالیات بالاتر و مداخله بیش از حد دولت (نظریه نتولیرال) یا مداخله ناکافی دولت برای محافظت از کارگران در برابر فقر (نظریه اقتصاد سیاسی) میدانند. در این پژوهش شیوع بیشتر اشتغال غیررسمی را با توسعه اقتصادی کمتر مرتبط می‌دانند. همچنین سطوح بیشتر فساد در بخش دولتی، و سطح پایین مداخله دولت برای محافظت از کارگران در برابر فقر از جمله موارد افزایش اشتغال غیررسمی می‌باشد.

امبایا و گوپه (۲۰۱۹)، نشان دادند که فضای ضعیف کسب و کار هم بر تجارت رسمی و هم غیررسمی تأثیر می‌گذارد. یک مطالعه توسط میر، میر و مولف نشان داد که بسیاری از عوامل محیطی خارجی، از جمله عدم ارائه خدمات، قانون کار و جرایم، بر رشد مشاغل غیررسمی تأثیر می‌گذارد. علاوه بر این، نتایج نشان داد که عدم مهارت‌های بازاریابی، مالی و مدیریت، رشد کسب و کار را مختل می‌کند (میر، میر و ملیف، ۲۰۱۶). پس باید در جهت اشتغال غیررسمی استراتژی‌های مناسب تدوین و اجرا شود (استراوینگ، نواگابا و کروگر، ۲۰۱۹).

برخلاف پژوهش‌های دیگر که هر کدام جنبه مشخصی از اشتغال غیررسمی را بررسی کرده‌اند و اکثر آنها جنبه ارائه آمار و ارقام در این زمینه داشته‌اند، در این پژوهش تمرکز اصلی بر شناسایی علل پیدایش و شکل‌گیری اشتغال غیررسمی در ایران بوده است. به علاوه، در پژوهش حاضر با روش مصاحبه با خبرگان، ضمن شناسایی بیش از هشتاد عامل در شکل‌گیری اشتغال غیررسمی در قالب یک مطالعه جامع، به طبقه‌بندی آنها پرداخته شد و توصیه‌هایی نیز جهت بهبود اشتغال غیررسمی ارائه می‌شود.

۴. روش‌شناسی پژوهش

از آنجایی که این پژوهش به دنبال شناسایی علل و عوامل شکل‌گیری و پیدایش اشتغال غیررسمی در ایران است، از روش‌های کیفی از جمله تحلیل تم و روش دلفی برای شناسایی و گزینش نهایی مهم‌ترین علل استفاده شده است. پژوهش حاضر از نظر شیوه پژوهش، توصیفی-پیمایشی و از شاخه میدانی است. جهت جمع‌آوری مطالب مربوط به ادبیات موضوع از کتب، مجلات، پایان‌نامه‌ها و پایگاه‌های اطلاعاتی اینترنتی استفاده شد. جهت شناسایی علل شکل‌گیری و پیدایش اشتغال غیررسمی، پس از شناسایی خبرگان در حوزه مورد نظر از آنان برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه عمیق استفاده شد. جامعه آماری پژوهش،

متخصصان و خبرگان با تخصص مرتبط بودند که معیار شناسایی و انتخابشان به شرح زیر می باشد:

- داشتن سابقه حداقل ۵ سال در زمینه مدیریت، آینده پژوهی، اقتصاد، جامعه شناسی، روانشناسی و حقوق
- اساتید دانشگاهی در حوزه مدیریت، اقتصاد، جامعه شناسی، روانشناسی و حقوق
- علل شناسایی شده حاصل از مصاحبه با تحلیل تم طبقه بندی شد و از طریق روش دلفی به تلخیص علل پرداخته شد. سپس عوامل پیدایش و شکل گیری اشتغال غیررسمی که از طریق روش دلفی تلخیص شده در چارچوب مضامین قرار گرفت.

حجم نمونه با رویکرد اشباع نظری حاصل خواهد شد. این روش، معیاری است که در آن رسیدن به حداکثر اطلاعات در مورد پدیده به عنوان نقطه پایان در نظر گرفته می شود (رنجبر، حق دوست، صلصالی، خوشدل، سلیمانی و بهرامی، ۱۳۹۱؛ نوربهبشت و محمدشفیعی، ۲۰۲۰). به بیان بهتر، اشباع نظری هنگامی رخ می دهد که داده بیشتری که سبب توسعه، تعدیل، بزرگتر شدن یا اضافه شدن به تئوری موجود گردد به پژوهش وارد نشود (کوهن، مانیون و موریسون، ۲۰۰۹). در این پژوهش، ۱۵ نفر از خبرگان باتوجه به معیارهای فوق الذکر انتخاب گردیدند که در جدول (۱) مشخصات مصاحبه شوندگان از نظر سمت سازمانی، مدرک تحصیلی و سابقه کار تشریح شده است. بازه زمانی انجام پژوهش از آذر ماه ۱۳۹۹ تا اردیبهشت ماه ۱۴۰۰ بوده است.

جدول ۱- مشخصات مصاحبه شوندگان

ردیف	سمت سازمانی	مدرک تحصیلی	سابقه کار	زمان (دقیقه)
۱	مسئول منابع انسانی	کارشناسی ارشد مدیریت	۲۵	۵۰
۲	عضو هیأت علمی دانشگاه	دکتری اقتصاد	۲۲	۴۰
۳	عضو هیأت علمی دانشگاه	دکتری جامعه شناسی	۲۰	۴۵
۴	مشاوره حقوقی	کارشناسی ارشد حقوق	۱۸	۵۰
۵	عضو هیأت علمی دانشگاه	دکتری روان شناسی	۱۲	۵۰
۶	مدیر کارخانه	کارشناسی ارشد مدیریت	۱۲	۶۰
۷	عضو هیأت علمی دانشگاه	دکتری مدیریت	۱۰	۵۰
۸	کارشناس برنامه ریزی، سیستم ها و روش ها	کارشناسی ارشد مدیریت	۹	۷۰
۹	عضو هیأت علمی دانشگاه	دکتری مدیریت استراتژیک	۸	۹۰
۱۰	کارشناس تحلیل داده	دکتری اقتصاد	۷	۴۵
۱۱	کارشناس اقتصادسنجی	کارشناسی ارشد اقتصاد	۶	۴۵
۱۲	عضو هیأت علمی دانشگاه	دکتری مدیریت	۶	۵۰
۱۳	عضو هیأت علمی دانشگاه	دکتری جامعه شناسی	۵	۸۰
۱۴	عضو هیأت علمی دانشگاه	دکتری حقوق	۵	۶۰
۱۵	مسئول منابع انسانی	کارشناسی ارشد روانشناسی صنعتی و سازمانی	۵	۶۵

در این پژوهش روش دلفی در سه دور انجام گردید. برای توقف در دور سوم از ضریب هماهنگی کندال استفاده شد. این ضریب برای میزان اتفاق نظر و هماهنگی نظرات خبرگان و مقیاسی برای تعیین درجه هماهنگی و موافقت میان چندین دسته مربوط به N شیء یا فرد است. آزمون، عددی بین صفر و یک را به عنوان آماره ارائه می‌دهد که منظور از صفر عدم توافق و هماهنگی و عدد یک توافق و همبستگی کامل را نشان می‌دهد (عباسی اسفناجی و فروزنده دهکردی، ۱۳۹۴). اشمیت (۱۹۹۷)، برای تصمیم‌گیری درباره توقف یا ادامه دورهای دلفی دو معیار آماری ارائه می‌کند. اولین معیار، اتفاق نظر قوی میان اعضای پانل است که بر اساس مقدار ضریب هماهنگی کندال تعیین می‌شود. در صورت نبود چنین اتفاق نظری، ثابت ماندن ضریب کندال یا رشد ناچیز در دور متوالی نشان می‌دهد در توافق اعضا افزایش صورت نگرفته و فرایند نظرخواهی باید متوقف شود. در این پژوهش به دلایل زیر روش دلفی در سه دور انجام گردید:

۱. بیش از ۵۰ درصد اعضا به ۳۷ عامل شناسایی شده امتیاز بالای ۳ (۵ و ۴) داده‌اند.
۲. انحراف معیار بسیاری از عوامل در دور سوم نسبت به دور قبلی کاهش یافته است.
۳. ضریب هماهنگی کندال در دور سوم ۰/۷۶۱ می‌باشد که نشان‌دهنده اتفاق نظر قوی بین اعضا است. با توجه به اینکه تعداد اعضا بیش از ۱۰ نفر است، این میزان کاملاً معنادار محسوب می‌شود.
۴. ضریب هماهنگی کندال در دور سوم نسبت به دور دوم تنها ۰/۰۸۳ افزایش یافت که این تفاوت، رشد قابل توجهی را نشان نمی‌دهد.

پس از انجام روش دلفی توسط خبرگان و تلخیص یافته‌ها از شبکه مضامین استفاده می‌شود. یکی از ابزارهای تحلیل مضمون، شبکه مضامین است که در ساختاردهی و تصویرسازی از مضامین نقش تسهیل‌کننده‌ای دارد. هدف از مدل شبکه مضامین، ادراک موضوع یا کشف معنای ایده است (اترید-استرلینگ، ۲۰۰۱). تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تجزیه تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. تحلیل مضمون فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است که داده‌های پراکنده را به داده‌های غنی تبدیل می‌کند (بروان و کلارک، ۲۰۰۶). شبکه مضامین روش مناسبی در تحلیل مضمون است که توسط آتریداسترلینگ توسعه یافت. مضامین به صورت نقشه‌های شبکه تارنما، رسم و مضامین برجسته با روابط میان آن‌ها نشان داده می‌شود.

۵. تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌ها

در مصاحبه با خبرگان از آنان خواسته شد تا مهم‌ترین علل شکل‌گیری و نیز عوامل گرایش به اشتغال غیررسمی در ایران را بیان کنند. در این بخش، یافته‌ها نشان‌دهنده استخراج ۸۷ عامل اولیه ناشی از کدگذاری باز در چهار دسته است. عوامل شناسایی شده با توجه به تحلیل تیم حاصل از مصاحبه با خبرگان شامل موارد زیر است که در جدول (۲) ارائه شده است:

جدول ۲- علل شکل‌گیری و عوامل گرایش به اشتغال غیررسمی

درصد	فراوانی	تم‌های فرعی	ردیف	تم اصلی
٪۴۰	۶	مشکلات نهادی مانند بروکراسی ناکارآمد	۱	کلان
٪۷۳	۱۱	تعیین نرخ حداقل دستمزد یکسان برای همه	۲	
٪۳۳	۵	صنعتی شدن و نوسازی کشور	۳	
٪۴۷	۷	گسترش شهرنشینی و افزایش تقاضای کار بحران‌هایی پدید آمد که اقتصاد غیررسمی در پاسخ به بحران‌های شهری به وجود آمد و گسترش یافت	۴	
٪۳۳	۵	تحولات جهان سرمایه‌داری باعث نادیده گرفتن اقتصاد رسمی و شکل‌گیری اقتصاد غیررسمی می‌شود.	۵	
٪۴۰	۶	رشد اقتصاد بیمار منجر به حاشیه‌کشیده شدن بخش رسمی اقتصاد و گسترش اشتغال غیررسمی می‌شود.	۶	
٪۶۷	۱۰	بحران‌های مالی مکرر منجر به رکود، کاهش اشتغال و در نتیجه بروز اقتصاد غیررسمی و اشتغال غیررسمی می‌شود	۷	
٪۵۳	۸	رکودهای اقتصادی منجر به از دست رفتن شغل و گرایش به اشتغال غیررسمی می‌شود	۸	
٪۴۰	۶	توسعه صنایع و خدمات در اقتصاد ملی	۹	
٪۴۰	۶	افزایش سطح عمومی قیمت‌ها	۱۰	
٪۴۷	۷	افزایش تورم	۱۱	
٪۴۰	۶	بالا بودن نرخ رشد جمعیت	۱۲	
٪۴۷	۷	جوان بودن جمعیت	۱۳	
٪۶۰	۹	افزایش نرخ مشارکت زنان	۱۴	
٪۵۳	۸	افزایش جمعیت و به تبع آن افزایش شهرنشینی	۱۵	
٪۸۷	۱۳	مهاجرت روستا به شهر	۱۶	
٪۴۷	۷	افزایش مناطق حاشیه‌نشین و فقیرنشین به دنبال شهرنشینی	۱۷	
٪۸۷	۱۳	مدیریت ناکارآمد	۱۸	
٪۴۰	۶	تأثیرات ناشی از اقتصاد سیاسی	۱۹	
٪۹۳	۱۴	رواج بیکاری	۲۰	
٪۸۷	۱۳	عدم پاسخ به تقاضای نیروی کار در مشاغل رسمی	۲۱	
٪۴۷	۷	نیازهای مالی و رو آوردن به چند شغل	۲۲	
٪۴۷	۷	کمبود کار شایسته	۲۳	
٪۶۷	۱۰	پارتی بازی و تبارگماری	۲۴	
٪۴۷	۷	عدم استفاده مناسب از تخصص فرد	۲۵	
٪۴۰	۶	تغییرات عمده ساختاری بازار کار	۲۶	
٪۴۰	۶	عدم تطابق مهارت‌ها در بازار کار	۲۷	
٪۳۳	۵	انبوه‌سازی و در نتیجه عرضه بیش از حد فارغ‌التحصیلان دانشگاهی	۲۸	
٪۳۳	۵	کمبود فارغ‌التحصیلان دارای مهارت فنی - حرفه‌ای مربوط به نیازهای بازار کار	۲۹	

تم اصلی	ردیف	تم های فرعی	فراوانی	درصد
کلان	۳۰	عدم فراگیری تخصص های لازم	۸	%۵۳
	۳۱	عدم تربیت افراد متخصص و مورد نیاز	۶	%۴۰
	۳۲	سهولت بیشتر کارفرما در کسب و کار غیررسمی	۸	%۵۳
	۳۳	سهمییه بندی بازار کار به دلیل موانع ورود	۶	%۴۰
	۳۴	شکاف گسترده میان عرضه و تقاضای نیروی کار	۶	%۴۰
	۳۵	امکان پرداخت کمتر در مشاغل غیررسمی در توافق با کارگر	۷	%۴۷
	۳۶	امکان برکناری راحت تر کارگر در صورت عدم رضایت	۷	%۴۷
قانونی	۳۷	به کارگیری سیاست ها و استراتژی های نامناسب توسعه	۵	%۳۳
	۳۸	فراهم نبودن نهادهای حمایتی و اجتماعی	۴	%۲۷
	۳۹	گرفتن مالیات زیاد	۶	%۴۰
	۴۰	تدوین قوانین غیرضروری، مورب، زائد و مانع کارآفرینان	۱۰	%۶۷
	۴۱	دست و پاگیر بودن قوانین	۸	%۵۳
	۴۲	مداخله بیش از حد دولت	۷	%۴۷
	۴۳	مداخله نادرست دولت برای محافظت از کارگران	۸	%۵۳
	۴۴	فساد و رانت خواری	۶	%۴۰
	۴۵	دور زدن قانون کار توسط شرکت های رسمی و استخدام کارگران به صورت غیررسمی	۱۰	%۶۷
	۴۶	عدم وجود برنامه های تأمین اجتماعی مقرون به صرفه از دید کارفرمایان	۸	%۵۳
	۴۷	عدم برنامه ریزی دقیق اجرای طرح های تأمین اجتماعی	۸	%۵۳
	۴۸	فرصت های محدود برای اشتغال رسمی	۱۳	%۸۷
	۴۹	عدم فراهم کردن اشتغال مناسب و امکانات آن	۶	%۴۰
	۵۰	فرار کارفرما از بیمه و مالیات	۹	%۶۰
	۵۱	تمایل کارفرما به قراردادهای غیررسمی بدلیل قوانین	۱۰	%۶۷
	۵۲	مسیر دشوار ورود به مشاغل رسمی از جمله آزمون، گزینش و ...	۱۳	%۸۷
	۵۳	موانع ورود بانوان و نیز جوانان به محیط کاری	۴	%۲۷
۵۴	لزوم سابقه کاری به عنوان شرط ورود و موانع موجود برای افراد بدون تجربه قبلی	۹	%۶۰	
۵۵	یکسان بودن حداقل حقوق قانون کار برای کارگران با مهارت های مختلف	۸	%۵۳	
فردی - مرتبط با کارفرما	۵۶	کمبود سرمایه کافی (سرمایه اولیه اندک)	۸	%۵۳
	۵۷	کاهش بار مالیاتی و شدت مقررات	۵	%۳۳
	۵۸	گریز از محدودیت های قوانین و مقررات	۷	%۴۷
	۵۹	کار به عنوان خود اشتغالی	۴	%۲۷

تم اصلی	ردیف	تم های فرعی	فراوانی	درصد
فردی-مرتبط با کارفرما	۶۰	رئیس بودن شخص به عنوان کارآفرین خرد	۵	٪۳۳
	۶۱	متکی به منابع طبیعی و بومی	۳	٪۲۰
	۶۲	استفاده از منابع موجود	۳	٪۲۰
	۶۳	مالکیت خانوادگی	۹	٪۶۰
	۶۴	عملیات در مقیاس کوچک	۸	٪۵۳
	۶۵	تسهیل ورود	۴	٪۲۷
	۶۶	آزادی فعالیت های غیررسمی	۵	٪۳۳
	۶۷	جلوگیری از پرداخت مالیات	۷	٪۴۷
	۶۸	عدم نیاز به تخصص، بیمه و مالیات	۶	٪۴۰
	۶۹	عدم توان کارفرما در پرداخت طبق اداره کار با توجه به ماهیت متفاوت شغل ها	۷	٪۴۷
	۷۰	یکسان فرض کردن حقوق در قانون برای دانشجویان، فارغ التحصیلان یا سربازان اتمام وظیفه، با کارگران ماهر، علی رغم مهارت کمتر و عدم تجربه و در نتیجه عدم استقبال کارفرما از ورود آنها به محیط کار	۷	٪۴۷
فردی-مرتبط با کارگر	۷۱	عدم تمایل کارفرما به جذب زنان سرپرست خانوار بدلیل مشغله ها و مشکلات خاص آنها و در عین حال حقوق یکسان با کارگران ماهر	۵	٪۳۳
	۷۲	یکسان فرض کردن حقوق در قانون کار برای کارگران شهری و روستایی و در نتیجه ترجیح کارگران شهری توسط کارفرمایان.	۶	٪۴۰
	۷۳	نداشتن مکان ثابت و مناسب	۵	٪۳۳
	۷۴	تلاش در جهت تأمین حداقل معاش برای رهایی از فقر	۱۲	٪۸۰
	۷۵	راه حلی برای بقا	۵	٪۳۳
	۷۶	عدم تحصیلات مناسب	۱۰	٪۶۷
	۷۷	نبود تخصص و سواد	۹	٪۶۰
	۷۸	عدم مهارت اجتماعی	۴	٪۲۷
	۷۹	مهارت های مورد نیاز کم	۸	٪۵۳
	۸۰	عدم توانایی افراد برای ورود به بخش رسمی	۹	٪۶۰
	۸۱	نداشتن اشتغال در بخش رسمی اقتصاد	۶	٪۴۰
	۸۲	نیافتن شغل رسمی	۶	٪۴۰
	۸۳	استقلال و انعطاف پذیری کار	۵	٪۳۳
	۸۴	انعطاف پذیری ساعات کار	۴	٪۲۷
	۸۵	محروم شدن از منطقه رسمی کار	۵	٪۳۳
	۸۶	برکناری از شغل رسمی	۸	٪۵۳
	۸۷	عدم امکان رشد و پیشرفت	۳	٪۲۰

عوامل شناسایی شده در تحلیل تم، مجدد به خبرگان و کارشناسان ارائه شد و از آنان خواسته شد تا میزان موافقت خود را در مؤثر بودن این عوامل در خصوص اثرات منفی تحریم‌ها با توجه به طیف لیکرت اعلام نمایند. به بیان دیگر، در دور اول روش دلفی ۸۷ عامل شناسایی شده در قالب سؤالات بسته پرسشنامه طراحی شد. همچنین از طریق یک سؤال باز عوامل مؤثری که در سؤالات بسته در نظر گرفته نشده است مورد پرسش قرار گرفت. در دور دوم روش دلفی، سؤالاتی که امتیاز بالاتری دارند (میانگین بالای ۳ و انحراف معیار کمتر از ۱)، مجدداً در اختیار خبرگان قرار گرفت. تعداد سؤالات در دور اول ۸۷ سؤال بسته و یک سؤال باز و در دور دوم ۵۳ سؤال بسته و در دور سوم ۴۴ سؤال بسته بوده است. در پاسخ به این سؤال اطلاعات حاصل از تحلیل تم و دلفی با هم ترکیب شد و در نهایت ۳۷ عامل نهایی شناسایی شد که به شرح زیر است:

۱. تعیین نرخ حداقل دستمزد یکسان برای همه
۲. بحران‌های مالی مکرر
۳. افزایش نرخ مشارکت زنان
۴. مهاجرت روستا به شهر
۵. مدیریت ناکارآمد
۶. رواج بیکاری
۷. عدم پاسخ به تقاضای نیروی کار در مشاغل رسمی
۸. نیازهای مالی و روآوردن به چند شغل
۹. عدم فراگیری تخصص‌های لازم
۱۰. سهولت بیشتر کارفرما در کسب و کار
۱۱. امکان پرداخت کمتر در مشاغل غیررسمی در توافق با کارگر
۱۲. امکان برکناری راحت تر کارگر در صورت عدم رضایت
۱۳. تدوین قوانین غیرضروری، مورب، زائد و مانع کارآفرینان
۱۴. مداخله نادرست دولت برای محافظت از کارگران
۱۵. دور زدن قانون کار توسط شرکت‌های رسمی و استخدام کارگران به صورت غیررسمی

۱۶. عدم وجود برنامه‌های تأمین اجتماعی مقرون به صرفه از دید کارفرمایان
 ۱۷. فرصت‌های محدود برای اشتغال رسمی
 ۱۸. فرار کارفرما از بیمه و مالیات
 ۱۹. تمایل کارفرما به قراردادهای غیررسمی به دلیل قوانین
 ۲۰. مسیر دشوار ورود به مشاغل رسمی از جمله آزمون، گزینش و...
 ۲۱. لزوم سابقه کاری به عنوان شرط ورود و موانع موجود برای افراد بدون تجربه قبلی
 ۲۲. یکسان بودن حداقل حقوق قانون کار برای کارگران با مهارت‌های مختلف
 ۲۳. کمبود سرمایه کافی (سرمایه اولیه اندک)
 ۲۴. گریز از محدودیت‌های قوانین و مقررات
 ۲۵. مالکیت خانوادگی
 ۲۶. عملیات در مقیاس کوچک
 ۲۷. جلوگیری از پرداخت مالیات
 ۲۸. عدم توان کارفرما در پرداخت طبق اداره کار با توجه به ماهیت متفاوت شغل‌ها
 ۲۹. یکسان فرض کردن حقوق در قانون
 ۳۰. عدم تمایل کارفرما به جذب زنان سرپرست خانوار به دلیل مشغله‌ها و مشکلات خاص آن‌ها و در عین حال حقوق یکسان با کارگران ماهر
 ۳۱. یکسان فرض کردن حقوق در قانون کار برای کارگران شهری و روستایی و در نتیجه ترجیح کارگران شهری توسط کارفرمایان
 ۳۲. تلاش در جهت تأمین حداقل معاش برای رهایی از فقر
 ۳۳. عدم تحصیلات مناسب
 ۳۴. نبود تخصص و سواد
 ۳۵. مهارت‌های مورد نیاز کم
 ۳۶. عدم توانایی افراد برای ورود به بخش رسمی
 ۳۷. برکناری از شغل رسمی
- پس از انجام روش دلفی و استخراج عوامل برای درک بهتر

و هرچه بیشتر عوامل مؤثر بر شکل‌گیری اشتغال غیررسمی،

شبکه مضامین در نمودار (۱) ارائه می‌شود.



نمودار ۱- شبکه مضامین علل و عوامل شکل‌گیری اشتغال غیررسمی

۶. نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی

در این پژوهش علل شکل‌گیری و گرایش به اشتغال غیررسمی در ایران از طریق مطالعه پژوهش‌های پیشین و مصاحبه با خبرگان شناسایی شد و پس از چند مرحله، مهم‌ترین علل به تأیید آنان رسید. مهم‌ترین علل شکل‌گیری اشتغال غیررسمی توسط صاحب‌نظران مرتبط در این حوزه به ۳۷ عامل تلخیص یافت که این عوامل از مهم‌ترین علل

در شکل‌گیری اشتغال غیررسمی می‌باشد. ضریب کندال در دور سوم دلفی ۰/۷۵۹ به دست آمد که نشان از اجماع بالای خبرگان بر این عوامل است. همچنین از طریق عوامل شناسایی شده شبکه مضامین ارائه شد. یافته‌های پژوهش حاضر با شوهانی و همکاران (۱۳۹۸)، ظفری و همکاران (۱۳۹۷)، میترا (۲۰۲۰)، ویلیامز و هوردونیک (۲۰۱۹)، شفیع‌ی وزمانی (۱۴۰۰) و شفیع‌ی وزمانی (۱۴۰۱) هم‌خوانی دارد و در

این یافته‌ها نیز برخی از علل و ابعاد اشتغال غیررسمی مورد بررسی قرار گرفته است.

بر اساس نتایج پژوهش رواج بیکاری در شکل‌گیری و گسترش اشتغال غیررسمی بالاترین رتبه را به خود اختصاص داده است. در این خصوص پیشنهاد می‌شود تا با بازبینی و اصلاح قانون کار و سهولت در اعطای مجوز و ثبت یک کسب و کار به سرمایه‌گذاران انگیزه لازم جهت کارآفرینی داده شود. از دیگر عوامل مهمی که منجر به گسترش اشتغال غیررسمی می‌گردد، مهاجرت از روستا به شهر و تعیین نرخ حداقل دستمزد یکسان بدون در نظر گرفتن تفاوت‌ها می‌باشد. در این خصوص پیشنهاد می‌شود تا با فراهم کردن بستر اشتغال‌زایی در روستاها، علاوه بر رونق یافتن صنایع روستایی، امکان ایجاد شغل در روستا نیز به وجود آید. به بیان بهتر، صنایع روستایی نقش به‌سزایی در افزایش درآمد روستاییان و ایجاد اشتغال دارند.

این صنایع می‌توانند تأثیر بسیار زیادی در توسعه اقتصادی کشور داشته باشند و همچنین جدا از توان اشتغال‌زایی بالایی که دارند، می‌توانند در حل مسائل نابرابری و توزیع درآمد و امکانات، مهاجرت، امنیت ملی، آمایش سرزمین، رشد بیش از اندازه جمعیت شهرها و آلودگی آن و دیگر موارد بسیار مؤثر باشند. صنایع روستایی به علت مواردی همچون نیاز به سرمایه‌گذاری اندک در مقایسه با صنایع بزرگ، هزینه تولید به نسبت مناسب، نیاز کمتر به ارز خارجی، توان ارز آفرینی و افزایش صادرات، امکان استفاده از صنایع و امکانات موجود در نواحی روستایی، افزایش بهره‌وری و ارزش افزایی تولید بخش کشاورزی، می‌توانند نقش بسیار مهمی را در توسعه اقتصادی روستاها و کشور ایفا کنند (بیک محمدی، ۱۳۸۶، محمدشفیعی، ۱۳۹۸). گسترش مشاغل کوچک در روستا و ایجاد بستر اشتغال در این صنایع می‌تواند به معکوس شدن مهاجرت کمک نماید. پیشنهاد می‌شود سیاست‌هایی در جهت حمایت از کارگر و همچنین کارفرما اتخاذ گردد. با برطرف کردن

مشکلات بر سر راه کارفرمایان، گرایش آنان به سمت استخدام کارگران به صورت غیررسمی کاهش می‌یابد و در نتیجه کارگران خود را به صورت رسمی و طبق قانون کار استخدام می‌کنند. در کارگاه‌های کوچک (کمتر از ۱۰ نفر) در شهر و روستا، پیشنهاد می‌شود به جای اجبار به رعایت حداقل دستمزد متناسب با ماده ۴۱ قانون کار، دستمزد توافقی و متناسب با مهارت کارگر و نوع کارگاه و توان کارفرما و البته با ساز و کارهای نظارتی توسط دولت تعیین شود. اگر قراردادهای به صورت رسمی صورت پذیرد از یک سو، کارگر از تمام تسهیلات و مزایای تأمین اجتماعی، قانون کار و بازنشستگی برخوردار می‌شود و از سوی دیگر باعث ترغیب کارفرما به اشتغال آفرینی در روستاها شده و همچنین کارگر ترغیب می‌شود به مرور زمان مهارت‌های خود را افزایش دهد. به مدیران و تصمیم‌گیران این حوزه پیشنهاد می‌شود به دنبال ایجاد سیاست‌هایی مانند حمایت از کارآفرینی در روستاها باشند تا از طریق مهاجرت معکوس و کاهش حاشیه‌نشینی شهرها بتوان از حجم اشتغال غیررسمی و پیامدهای منفی این نوع از اشتغال کاست. به علاوه، با اصلاح قانون کار توسط سیاست‌گذاران می‌توان در حوزه دستمزد و بیمه، کارفرمایان را ترغیب به اشتغال از نوع رسمی کرد. همچنین می‌توان با سیاست‌های تشویقی از حجم اشتغال غیررسمی و پنهان کاست و شرایط را برای کارگران بهبود بخشید.

باتوجه به اینکه در این پژوهش مهم‌ترین علل شکل‌گیری و نیز عوامل گرایش به اشتغال غیررسمی در ایران شناسایی گردید، پیشنهاد می‌شود با بررسی و توجه به تمام آنها بخصوص مواردی که بیشترین فراوانی و درصد را طبق نظر خبرگان به دست آورده‌اند، تدابیری برای هریک اندیشیده شود تا علل و ریشه‌های گرایش به اشتغال غیررسمی برطرف گردد. از دیگر پیشنهادها این پژوهش می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- کاهش تعداد رویه‌ها و مراحل مورد نیاز برای ثبت نام، اعطای مجوز و ثبت یک کسب و کار به حداقل ممکن.

- اطمینان حاصل کردن از اینکه کارفرمایان و کسب وکارها استطاعت پرداخت حداقل دستمزد را دارند.
- استفاده بیشتر از فناوری‌های جدید مانند رویه‌های آنلاین برای ثبت کسب وکارها.
- بازمینی و لغو مقررات منسوخ و آیین نامه‌های محدودکننده اشتغال رسمی.
- ساده‌سازی رویه‌های مقرراتی و نظارتی برای فعالیت کسب وکارها، با در نظر گرفتن هزینه‌های آن‌ها و اثرات آن بر سودآوری بنگاه اقتصادی.
- توجه بیشتر به بازرسی‌ها و همچنین حسابرسی و گزارش اطلاعات.
- اصلاح رویه‌های جاری در کشور در پرداخت حقوق به کارگران با در نظر گرفتن مهارت، توان، سابقه و ... در آن‌ها.
- اصلاح قانون کار با در نظر گرفتن منافع غیر عظیم کارگران غیررسمی و حمایتی بودن قانون کار از تمام اقشار کارگری نه فقط کارگران رسمی.
- پلکانی کردن حقوق قانون کار با توجه به سطح مهارت تشخیصی کارفرما و کارشناس اداره کار متناسب با سال‌های کسب سابقه و مهارت.
- حرکت به سمت قراردادهای رسمی توافقی بین کارگر و کارفرما متناسب با نوع مشاغل و ماهیت آنها.

منابع

- احمدی شادمهری، محمدطاهر. (۱۳۸۶). «بررسی وضعیت شاغلان در بخش غیررسمی، مطالعه موردی: شهرستان مشهد». مجله دانش و توسعه، ۱۱(۱)، ۱۵۷-۱۳۷.
- اشرفی، یکتا و فاطمه فهیمی فر. (۱۳۹۰). «بررسی شاخص‌های بهبود فضای کسب و کار با تأکید بر جایگاه ایران». مجله اقتصادی-ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، ۱۱، ۴۲-۷.
- بختیاری، صادق و خجسته خوب‌خواهی. (۱۳۹۰). «اشتغال در بازار کار غیررسمی و عوامل مؤثر بر آن در ایران (۱۳۵۱-۱۳۸۵)». دو فصلنامه علمی-پژوهشی جستارهای اقتصادی، ۸(۱۵)، ۱۳۸-۱۱۷.
- پایگاه اطلاع‌رسانی سایت تحلیلی خبری عصر ایران (۲۵ خرداد ۱۳۹۹). مرکز پژوهش‌های مجلس: ۶۰ درصد اشتغال غیررسمی است، آدرس بازبازی: asriran.com/0034le
- جعفری، فاطمه؛ محمدسعید ذکایی؛ محمد زاهدی اصل و فرشاد مؤمنی. (۱۳۹۸). «تجربه زیسته کارگران زن در بخش غیررسمی اقتصاد ایران (مطالعه موردی کارگران غیررسمی زن استان تهران)». برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۴۱، ۲۱۰-۱۷۳.
- جعفری، مریم و ربابه محمدزاده. (۱۳۹۴). «ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی زنان در بخش غیررسمی (مورد: منطقه ۲ شهر رشت)». فصلنامه آمایش محیط، ۳۷، ۱۲۱-۹۹.
- رنانی، محسن؛ سیدعارف رضوانی؛ ساغربابا حیدری و محمد میرزایی. (۱۳۹۶). «بررسی اندازه و ساختار اشتغال غیررسمی شهری در استان قم». پژوهش نامه استان قم، ۱۲، ۵۶-۴۰.
- رنانی، محسن. (۱۳۸۰). «ساختار اشتغال در بخش غیررسمی و نقش آن در جذب نیروی انسانی متخصص». طرح پژوهشی شماره ۲۱، طرح نیازسنجی نیروی انسانی متخصص و سیاست‌گذاری توسعه منابع انسانی کشور. مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی. تهران.
- رنانی، محسن. (۱۳۸۴). «ساختار اشتغال در بخش غیررسمی کشور». مجله اقتصادی، ۵(۴۹ و ۵۰)، ۳۸-۶.
- رنجبر، هادی؛ علی اکبر حق دوست؛ مهوش صلصالی؛ علیرضا خوشدل؛ محمدعلی سلیمانی و نسیم بهرامی. (۱۳۹۱). «نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی: راهنمایی برای شروع». مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۰(۳)، ۲۳۸-۲۵۰.
- زرزکی، شهریار؛ مستانه یداللهی اطاقسرا و آرمان یوسفی بارفروشی. (۱۳۹۹). «اشتغال غیررسمی و فقر خانوارهای شهری و روستایی در ایران». تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی، ۴۲، ۱۱۷-۸۳.
- سیف، ولی‌الله. (۱۳۸۹). «فضای کسب و کار». پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۲(۹)، ۶۳-۵۹.
- شاکری، زهرا و علی حاجی‌حسینی. (۱۳۹۹). «نظام حقوقی حمایت از روش‌های کسب و کار؛ آموزه‌هایی برای استارت‌آپ‌ها». فصلنامه پژوهشنامه بازگانی، ۲۴(۹۴)، ۱۰۶-۷۵.
- شفیعی، مجید و مریم زمانی. (۱۴۰۰). «واکاوی اثرات و پیامدهای اشتغال غیررسمی در ایران: رویکرد تلفیقی تحلیل تم و دلفی». فصلنامه پژوهش‌های برنامه و توسعه، ۲(۴)، ۱۲۷-۱۵۰.
- شفیعی، مجید و مریم زمانی. (۱۴۰۱). «اشتغال غیررسمی و ارتباط آن با شاخص‌های توسعه زندگی کاری». راهبرد توسعه، ۱۸(۱)، ۹۵-۱۲۵.

- Ahmadi Shadmehri, M. T. (2014). "Examining the status of workers in the informal sector, case study: Mashhad city". *Journal of Knowledge and Development*, 1(1), 157-137 (In Persian).
- Aqila, H. & Hamidi, N. (2015). Identification and ranking of obstacles to the establishment of green supply chain in small and large industries (case study of Qazvin province). *Business Research Quarterly*, 20(80), 173-195. (In Persian).
- Ashrafi, Y. & Fahimifar, F. (2019). Examining indicators of improving the business environment with an emphasis on the position of Iran. *Economic Review of Economic Issues and Policies*, 11, 7-42. (In Persian).
- Attride-Stirling, J. (2001). Thematic networks: an analytic tool for qualitative research. *Qualitative research*, 1(3), 385-405.
- Bakhtiari, S. & Khobchoy, K. (2010). Employment in the informal labor market and factors influencing it in Iran (1385-1351). *Quarterly Economic Essays*, 8(15), 117-138. (In Persian).
- Beręsewicz, M., & Nikulin, D. (2021). "Estimation of the size of informal employment based on administrative records with non-ignorable selection mechanism". *Journal of the Royal Statistical Society: Series C (Applied Statistics)*, 70(3), 667-690.
- Braun, V. & Clarke, V. (2006). "Using thematic analysis in psychology". *Journal of Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 83-112.
- Carneiro, F., & Henley, A. (2001). Modelling formal vs. informal employment and earnings: micro-econometric evidence for Brazil. *U of Wales at Aberystwyth Management & Business Working Paper*, 1-23.
- Cohen, L., Manion, L. & Morrison K. (2009). Research methods in education. *The Australian Educational Researcher*, 36(2), 147-156.
- Daniles, P. W. (2004). Urban challenges: The formal and informal economies in mega-cities. *Cities*, 21(6), 501-511.
- Elgin, C., & Erturk, F. (2019). Informal economies around the world: Measures, determinants and consequences. *Eurasian Economic Review*, 9(2), 221-237.
- Elgin, C., & Oyvat, C. (2013). Lurking in the cities: Urbanization and the informal economy. *Structural*
- شوهانی، نادر؛ محمد شوهانی و سارا شوهانی (۱۳۹۸). «تحلیل نقش مهاجرت (روستا-شهر) در شکل‌گیری و گسترش مشاغل غیررسمی در شهر ایلام». *نشریه فرهنگ ایلام*، ۲۰(۶۶)، ۱۲۰-۱۴۹.
- ظفری، داریوش؛ میرستار صدرموسوی و محمدرضا پورمحمدی. (۱۳۹۷). «بررسی جایگاه شاغلان بخش غیررسمی در پایداری اقتصاد شهری (مطالعه موردی: کلان شهر تبریز)». *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ۵۰(۳)، ۴۵۹-۶۴۵.
- عاقله، حسن و ناصر حمیدی. (۱۳۹۵). «شناسایی و رتبه‌بندی موانع استقرار زنجیره تأمین سبز در صنایع کوچک و بزرگ (مطالعه موردی استان قزوین)». *فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی*، ۲۰(۸۰)، ۱۹۵-۱۷۳.
- عباسی اسفنجی، حسین و لطف‌اله فروزنده دهکردی. (۱۳۹۴). «طراحی مدل جامع تجاری‌سازی تحقیقات دانشگاهی با رویکرد دلفی». *پژوهشنامه بازرگانی*، ۱۹(۷۵)، ۱۷-۱۳۹.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۳). «انسان‌شناسی شهری». چاپ اول. تهران: نشر نی.
- فلاح‌حقیقی، نگین؛ نگار ارمغان و مسعود بیژنی. (۱۳۹۶). «واکاوی آسیب‌های فضای کسب و کار در استان یزد». *فصلنامه مدیریت توسعه فناوری*، ۵(۴)، ۱۶۷-۱۴۳.
- کریمی موعاری، زهرا؛ شهریار زررکی و زریان احمدی. (۱۳۹۷). «محاسبه و تحلیل ساختار اشتغال غیررسمی در مناطق شهری استان کردستان». *اقتصاد کاربردی*، ۲۶، ۱۵-۱.
- مجموعه قانون برنامه پنج ساله چهارم، پنجم و ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۸-۱۴۰۰). برگرفته از پایگاه مرکز پژوهش‌های مجلس به آدرس: <https://rc.majlis.ir/fa>
- محمدشفیعی، مجید. (۱۳۹۸). «بررسی و تحلیل کسب و کار، اشتغال و شاخص‌های مرتبط با آن (محیط داخل شهر و روستا با محوریت آمار اشتغال رسمی و غیررسمی) در راستای اشتغال‌زایی در مناطق محروم». *طرح پژوهشی، دانشگاه اصفهان، پژوهشکده مدیریت. نسترن، مهین؛ کامران ربیعی و کامیار عبدخدا. (۱۳۹۷). «بررسی اثرات اشتغال غیررسمی بر پایداری اجتماعی نمونه موردی شهر بانه». *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ۳۷، ۱۲۲-۸۹.*
- ویسیان، محمد؛ میرنجم موسوی؛ طاهاربابی و واحد احمدتوزه. (۱۳۹۴). «تحلیلی بر وضعیت شاغلان بخش اقتصاد غیررسمی». *مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری*، ۱(۲)، ۱۱۱-۱۲۳.
- Abbasi Esfnaji, H. & Foruzandeh Dehkordi, L. (2014). Designing a comprehensive model of academic research commercialization with Delphi approach. *Business Journal*, 19(75), 139-17. (In Persian).

- to create employment in deprived areas. Research project, Isfahan University, Institute of Management. (In Persian).
- Nastern, M., Rabiei, K. and Abdkhoda, K. (2017). Investigating the effects of informal employment on social sustainability in the case study of Baneh city. *Welfare Planning and Social Development*, 37, 122-89. (In Persian).
- Nourbehesht, H., & Mohammad Shafiee, M. (2020). Strategic foresight of vulnerabilities of the tourism industry with focus on economic sanctions. *Defensive Future Study Researches Journal*, 5(18), 113-140.
- Parlevliet, J., & Xenogiani, T. (2008). Report on informal employment in Romania. OECD Development Centre Working Paper, 271, 1-83.
- Ranjbar, H., Haqdoost, A. A., Salasali, M., Khoshdel, S., Soleimani, M. A. & Bahrami, N. (1391). Sampling in qualitative research: a guide to getting started. *Scientific Research Journal of the University of Medical Sciences of the Islamic Republic of Iran Army*, 10(3), 238-250. (In Persian).
- Renani, M. (1380). The structure of employment in the informal sector and its role in attracting specialized human resources. Research project number 21, expert human resources needs assessment plan and human resources development policy of the country. Higher Education Research and Planning Institute. Tehran. (In Persian).
- Renani, M. (1384). Employment structure in the informal sector of the country. *Economic Journal*, 5(49-50), 6-38. (In Persian).
- Renani, M., Rizvani, S., A. Heydari, S. & Mirzaei, M. (2016). Investigating the size and structure of urban informal employment in Qom province. *Research Journal of Qom Province*, 12, 40-56. (In Persian).
- Saif, W. A. (1389). *Business Space*, Research Institute of Humanities and Cultural Studies, 132(9), 59-63. (In Persian).
- Schmidt, R. C. (1997). Managing Delphi surveys using nonparametric statistical techniques. *Decision Sciences*, 28(3), 763-774.
- Shafiee, M. M. (2021). Competitive advantage via intellectual capital: a moderated mediation analysis. *Journal of Intellectual Capital*.doi.org/10.1108/JIC-05-2020-0152
- Shafiee, M. M. & Zamani, M. (1400). The Effects and Change and Economic Dynamics, 27, 36-47.
- Fakuhi, N. (1383). *Urban anthropology*. First Edition. Tehran: Ney Publishing. (In Persian).
- Fallah Haqiqi, N., Armaghan, N. & Bijani, M. (2016). Analyzing the damages of the business environment in Yazd province. *Technology Development Management Quarterly*, 5(4), 167-143. (In Persian).
- Hart, K. (1973). "Informal Income Opportunities and Urban Employment in Ghana". *Journal of Modern African Studies*, 11(1), 61-89.
- Jafari, F., Zakaie, M. S., Zahedi Asl, M. & Momeni, F. (2018). The lived experience of female workers in the informal sector of Iran's economy (a case study of female informal workers in Tehran province). *Welfare Planning and Social Development*, 41, 173-210. (In Persian).
- Jafari, M. & Mohammadzadeh, R. (2014). Socio-economic characteristics of women in the informal sector (Case: District 2 of Rasht city). *Environmental Studies Quarterly*, 37, 121-99. (In Persian).
- Karimi Moghari, Z., Zaruki, S. & Ahmadi, Z. (2017). Calculation and analysis of informal employment structure in urban areas of Kurdistan province. *Applied Economics*, 26, 1-15. (In Persian).
- Law collection of the fourth, fifth and sixth five-year development plan of the Islamic Republic of Iran (1388-1400). Taken from the web of Majlis Research Center at: <https://rc.majlis.ir/fa>
- Mbaye, A. A., & Gueye, F. (2018). The competitiveness challenge of the formal sector in Francophone Africa: Understanding the role of the informal sector and the business environment. In *Africa's competitiveness in the global economy* (pp. 25-51). Palgrave Macmillan, Cham.
- Meyer, N., Meyer, D. F., & Molefe, K. N. (2016). "Barriers to small informal business development and entrepreneurship: The case of the Emfuleni Region". *Polish Journal of Management Studies*, 13(1), 121-133.
- Mitra, A. (2020). Informal Sector in India: Migration and Poverty Implications. *Regional Economic Development Research*, 1(1), 1-10.
- Mohammad Shafiee, M. (2018). Investigating and analyzing business, employment and its related indicators (inside the city and village, focusing on official and informal employment statistics) in order

- Visian, M., Mousavi, M., Rabbani, T. & Ahmadtozeh, V. (2014). An analysis of the situation of workers in the informal economy sector. *Journal of Geography and Urban Space Development*, 1(2), 111-123. (In Persian).
- Williams, C. C., & Horodnic, A. V. (2019). Why is informal employment more common in some countries? An exploratory analysis of 112 countries. *Employee Relations: The International Journal*. 41(6), 1434-1450. ISSN 0142-5455.
- Yuki, K. (2007). Urbanization informal sector and development. *Journal of Development Economics*, 84, 76-103.
- Zafari, D., Sadr Mousavi, M. & Pourmohammadi, M. (2017). Examining the position of informal sector workers in the sustainability of the urban economy (case study: Tabriz metropolis). *Human Geography Research*, 50(3), 459-645. (In Persian).
- Zaroki, S., & Yadollahi Otaghsara, M. (2021). Real Minimum Wage and Informal Employment in Iran. *Iranian Journal of Economic Studies*, 9(2), 549-567.
- Zaruki, S., Yadalhi Ataq Sara, M., & Yousefi Barforushi, A. (2019). Informal employment and poverty of urban and rural households in Iran. *Economic Modeling Research*, 42, 117-83. (In Persian).
- Consequences of Informal Employment in Iran: An Integrated Approach of Theme Analysis and Delphi. *Quarterly Journal of Program and Development Research*, 2 (4), 127-150. (In Persian).
- Shafiee, M. M. & Zamani, M. (1401). Informal employment and its relationship with work life development indicators. *Development Strategy (Rahbord Tose'e)*, 18(1), 95-125. (In Persian).
- Shakri, Z. & Hajihosseini, A. (2019). legal system supporting business methods; Lessons for startups. *Business Research Quarterly*, 24(94), 106-75. (In Persian).
- Shohani, N., Shohani, M. & Shohani, S. (2018). Analysis of the role of migration (rural-city) in the formation and expansion of informal jobs in Ilam city. *Farhang Elam Journal*, 20(66), 120-149. (In Persian).
- Struwig, F. W., Nuwagaba, G., & Krüger, J. (2019). The influence of the business environment on the growth of informal businesses in Uganda. *The Southern African Journal of Entrepreneurship and Small Business Management*, 11(1), 1-10.
- The information database of ASR Iran news site (June 25, 2019). Majlis Research Center: 60% of employment is informal, retrieval address: asriran.com/0034le (In Persian).
- Van Thang, D. (2020). Informal Employment and the Life of Informal Economy Workers in Vietnam. *Advances in Sciences and Humanities*, 6(3), 82-88.